



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر
موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - مقدمه ششم: بررسی تبعیت و جوب مقدمه از
ذی المقدمه در اطلاق و اشتراط - ثمره عملی چهارم بین قول
اول و دوم - قول سوم (صاحب فصول)
سال نهم
جلسه: ۳۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه بحث گذشته

عرض کردیم بین نظر مشهور و نظر منسوب به شیخ انصاری درباره تبعیت و جوب غیر مقدمه از جوب نفسی ذی المقدمه ثمره عملی نیز وجود دارد. یعنی این تفاوت صرفاً از حیث علمی نیست بلکه اثر عملی نیز دارد. این که قائل شویم جوب غیر مقدمه از حیث اطلاق و اشتراط تابع جوب نفسی ذی المقدمه است یا قائل شویم به این که تبعیتی در کار نیست و جوب غیر مقدمه همواره مشروط به قصد توصل است؛ دارای ثمرات و آثار عملی هستند.

در جلسه قبل به سه مورد اشاره کردیم که در این سه مورد بین این دو نظریه تفاوت هایی عملاً ایجاد می شود.

مورد چهارم

اگر در کنار اتیان به مقدمه برای رسیدن به ذی المقدمه، غرض دیگری نیز وجود داشته باشد؛ مثلاً کسی که می خواهد برای نجات نفس محترمه وارد در ملک غیر شود، مقصود دیگری را نیز تعقیب کند. یعنی علاوه بر این که غرض او و قصد او از ورود در ملک غیر حفظ نفس محترمه است، می خواهد ببیند داخل این ملک چه خبر است. آیا در این مورد بین التزام به نظریه مشهور و التزام به قول شیخ انصاری فرقی م یکنند یا خیر؟ مثل مثال های قبل فرض این است که نجات یک انسان در حال غرق شدن متوقف بر ورود در ملک غیر است. پس ورود در ملک غیر فی نفسه حرام است، زیرا غضب است و تصرف در مال غیر حرام است. طبق فرض این ورود مقدمه منحصره برای نجات غریق یعنی ذی المقدمه است. نجات غریق یک واجب نفسی است و اهمیت نیز دارد. کسی که می خواهد برای نجات نفس محترمه وارد ملک غیر شود علاوه بر قصد نجات دادن این انسان (یعنی قصد توصل به ذی المقدمه) انگیزه دیگری نیز از ورود به ملک غیر دارد. آیا در این مورد کسی که وارد در ملک غیر می شود و این غضب را مرتکب می شود مجرم و گناه کار و عاصی محسوب می شود یا خیر؟

طبق نظر مشهور: به طور کلی طبق نظر مشهور ورود در ملک غیر چون مقدمه منحصره نجات نفس محترمه است حرمتش از بین می رود و مغلوب جوب غیر می شود که از جوب نفسی نجات نفس محترمه ناشی شده است. طبق نظر مشهور حفظ و نجات دادن این انسان در حال غرق شدن واجب نفسی است لذا این جوب نفسی سبب می شود که ورود در ملک غیر که مقدمه

منحصراً آن ذی المقدمه است نیز واجب به وجوب غیر می شود. با آمدن وجوب غیر آن حرمت ذاتی اولیه کنار می رود. دیگر کاری ندارد که قصد این شخص از ورود به ملک غیر چه باشد. این قصد، قصد توصل به ذی المقدمه باشد یا نباشد، ضمیمه داشته باشد یا نداشته باشد. علی ای حال همین که واجب نفسی متولد شد، وجوب غیر نیز از آن مترشح می شود و این کار یک واجب غیر می شود. لذا بنابر ملازمه ورود در ملک غیر نه تنها معصیت محسوب نمی شود بلکه عمل به یک تکلیف است. یعنی اگر بگوییم بین وجوب شرعی ذی المقدمه و وجوب شرعی مقدمه ملازمه است قهراً ورود در ملک غیر واجب به وجوب غیر می شود. پس طبق نظر مشهور مسئله واضح است و مشکلی ندارد.

طبق نظر شیخ انصاری: طبق نظر شیخ انصاری آن چه تا به حال بیان شد این بود که وجوب غیر مقدمه مشروط به یک شرط است که عبارت است از قصد توصل به ذی المقدمه. این جا یک بحثی است که آیا علاوه بر این قید ایجابی یک قید سلبی نیز مورد نظر شیخ انصاری است یا خیر؟ به این معنا که آیا شیخ انصاری تنها معتقد است که وجوب غیر مشروط به قصد توصل به ذی المقدمه است یا این که معتقد است وجوب غیر مشروط به قصد توصل به ذی المقدمه است مع عدم قصد آخر یعنی یک قید سلبی کنار آن می باشد؟

شیخ انصاری می گوید مقدمه به شرطی واجب می شود که از اتیان به مقدمه قصد رسیدن به ذی المقدمه شده باشد. اگر کسی این قصد را نداشته باشد این مقدمه واجب نیست. نصب سلم زمانی واجب می شود که قصد رفتن به پشت بام باشد.

احتمال دارد منظور شیخ انصاری این باشد که فقط این قصد باشد یعنی ایشان فقط به وجه ایجابی نظر دارد و کاری به بعد سلبی ندارد و این که قصد دیگری نیز باشد یا نباشد مورد توجه او نیست و آن چه مورد نظر شیخ انصاری است فقط این است که قصد توصل به ذی المقدمه باشد. اگر این قصد بود مقدمه متصف به وجوب غیر می شود.

و نیز احتمال دارد منظور شیخ انصاری فراتر باشد. یعنی منظورشان این باشد که مقدمه به شرطی واجب می شود که تنها و تنها قصد این شخص رسیدن به ذی المقدمه باشد و قصد دیگری نیز در کار نباشد. یعنی قید مورد نظر شیخ انصاری کانه هم یک وجه ایجابی دارد و هم یک وجه سلبی. حال بر اساس هر دو احتمال مسئله را پی گیری می کنیم.

احتمال اول: اگر بگوییم منظور شیخ انصاری تنها بودن قصد توصل به ذی المقدمه است. یعنی مقدمه تنها در صورتی واجب می شود به وجوب غیر که قصد توصل به ذی المقدمه باشد و کاری به بود و نبود قصد دیگر ندارد، در این صورت طبق نظر شیخ انصاری آیا این مقدمه متصف به وصف وجوب غیر می باشد یا خیر؟

بله، طبق این احتمال فرقی بین نظر مشهور و شیخ انصاری نیست. زیرا در نظر مشهور علی السویه است؛ چه قصد توصل به ذی المقدمه باشد چه نباشد آن حرمت اولیه کنار می رود و مقدمه وجوب غیر پیدا می کند. حال می خواهد کنار این قصد توصل، قصد کنجکاو باشد یا نباشد.

طبق نظر شیخ انصاری بر اساس احتمال اول نیز همین طور است. زیرا فرض این است که شیخ انصاری می گوید: فقط همین قصد توصل باشد و کاری به جنبه قصد سلبی ندارد. حال شخصی وارد ملک غیر شده است و قصدش نیز از ورود در ملک غیر نجات دادن انسان غریق بوده است. پس هم واجب عمل شده و هم قصد توصل به ذی المقدمه وجود دارد. حال اگر کنار این قصد، قصد

دیگری هم وجود دارد دیگر آسیبی به وجوب غیري مقدمه نمی زند. پس طبق این احتمال بین نظر مشهور و شیخ انصاری تفاوتی نیست.

احتمال دوم: شیخ انصاری معتقد است وجوب غیري مقدمه مقید است به این که قصد توصل به ذی المقدمه باشد و قصد دیگری در کار نباشد. یعنی هم وجه ایجابی و هم وجه سلبی.

طبق این احتمال در مثالی که در مورد چهارم بیان کردیم، آیا نظر شیخ انصاری مانند نظر مشهور است؟ قطعاً فرق می کند. زیرا طبق احتمال دوم تنها در صورتی ورود در ملک غیر وجوب غیري پیدا می کند و حرمت اولیه کنار می رود که قصد اتیان کننده به مقدمه فقط و فقط نجات جان غریق باشد و هیچ قصد دیگری نیز نداشته باشد. لذا اگر غرض او حفظ نفس محترمه و نجات غریق باشد و در کنار آن داعی و قصد دیگری داشته باشد در این صورت دیگر ورودش به ملک غیر واجب نبوده و حرمت اولیه بر سر جایش باقی است. این ثمره ای است که بنا بر این دو قول در این چهار مورد بوجود می آید.

تا کنون روشن شد که اختلاف و تفاوت بین نظر مشهور و نظر شیخ انصاری علاوه بر این که از نظر علمی ثمره و فائده دارد، عملاً نیز دارای آثار متفاوتی است.

قول سوم (صاحب فصول): وجوب مقدمه موصله

نظر اول نظر مشهور بود که قائل به تبعیت می باشند. یعنی وجوب مقدمه تابع وجوب ذی المقدمه است، هر چند یکی غیري و یکی نفسی ولی از حیث اطلاق و اشتراط تبعیت وجود دارد. هر قیدی که واجب نفسی به آن مقید باشد، واجب غیري نیز به آن مقید است. همچنین گفتیم در مقابل این نظر سه نظر دیگر در مقابل مشهور نیز وجود دارد که وجه مشترک آن سه نظر انکار تبعیت است.

۱. صاحب معالم (علی ما نسب الیه): همواره وجوب مقدمه مشروط است به قصد و عزم اراده ذی المقدمه.

۲. شیخ انصاری (علی ما نسب الیه): تبعیت نیست بلکه وجوب غیري همواره مشروط به قصد توصل به ذی المقدمه است. تفاوت این دو نظر نیز به تفصیل بیان شد.

۳. صاحب فصول: قیدی که در وجوب غیري مقدمه مدخلیت دارد عبارت است از قید «ایصال المقدمه الی ذی المقدمه».

صاحب فصول معتقد است مقدمه واجب مقدمه موصله است. یعنی به نظر ایشان وجوب غیري مقدمه، تابع وجوب نفسی ذی-المقدمه نیست؛ بلکه همواره مقدمه در صورتی واجب می شود که ذی المقدمه محقق شود و این مقدمه به نتیجه برسد و این مقدمه به آن ذی المقدمه واصل شود. یعنی تا زمانی که کار تمام نشده نمی توانیم بگوییم این مقدمه واجب است یا خیر. اگر دیدیم که ذی المقدمه حاصل شد، این کشف می کند که مقدمه واجب بوده است و اگر ذی المقدمه محقق نشد کشف می شود که مقدمه واجب نبوده. تعبیر ایشان این است که وجوب غیري بر «مقدمه موصوله الی ذی المقدمه» مقدمه ای که وصول به ذی المقدمه پیدا کرده ثابت می شود لذا مقدمه غیر موصوله یعنی مقدمه ای که به ذی المقدمه منتهی نشده وجوب غیري پیدا نمی کند.^۱

فرق نظر صاحب فصول و نظر شیخ

^۱ الفصول الغرویه، ص ۸۶

ممکن است این سوال پیش بیاید که چه فرقی است بین این قید با آن چه که شیخ انصاری گفته؟ زیرا ایشان هم گفتند که وجوب غیری مقید به قصد توصل به ذی المقدمه است. صاحب فصول نیز می گویند وجوب مقدمه نیز مقید به ایصال ذی المقدمه است. چه فرقی بین این دو قول است؟ در دو صورت این تفاوت آشکار می شود:

۱. اگر کسی مقدمه ای را به قصد توصل انجام دهد ولی بعد از اتیان به ذی المقدمه پشیمان شود. مثلاً در همان مثال کسی در ملک غیر وارد شود به قصد نجات انسان غریق اما از اتیان به ذی المقدمه منصرف شد. طبق نظر شیخ انصاری وجوب غیری برای مقدمه ثابت است زیرا مقدمه را اتیان کرده است و قصد توصل نیز نبوده؛ اما این که الان پشیمان شده و ذی المقدمه را انجام نداده تاثیری در وجوب غیری مقدمه نمی گذارد.

اما طبق نظر صاحب فصول اساساً این مقدمه چون موصول به ذی المقدمه نشده است وجوب غیری پیدا نکرده است. در یک مورد دیگر نیز فرق نظر شیخ انصاری و صاحب فصول معلوم می شود.

۱. اگر کسی مقدمه را اتیان کند بدون قصد توصل (عکس صورت قبل) یعنی وارد در ملک غیر می شود و قصد او نجات دادن شخص غریق نیست، اراده ذی المقدمه را نکرده است. اما وقتی وارد می شود قصد نجات نفس محترمه را می کند. طبق نظر صاحب فصول این مقدمه چون موصول به ذی المقدمه است وجوب غیری دارد ولو از ابتدا قصد ذی المقدمه و قصد توصل به ذی المقدمه را نداشته باشد. پس طبق نظر صاحب فصول این مقدمه وجوب غیری دارد.

اما طبق نظر شیخ این مقدمه وجوب غیری ندارد زیرا از ابتدا قصد توصل به ذی المقدمه نبوده.

این تفاوت و اثری است که بین نظر شیخ انصاری و صاحب فصول وجود دارد. البته بعد از مورد ثمره عملی قول مشهور و صاحب فصول هم بحث خواهیم کرد.

پس معلوم شد که نظر صاحب فصول چیست. ایشان معتقد است که تبعیتی در کار نیست و وجوب مقدمه مقید به قید ایصال به ذی المقدمه است. اما در تفسیر این نظر و مقدمه موصوله که ایشان فرمودند اختلاف است. دو احتمال وجود دارد. آن چه تا کنون بیان شد تصویر اصل مسئله بود و نظری که بدو از این کلام استفاده می شود. اما این که نظر صاحب فصول چیست و نظر ایشان کدام است باید بررسی شود.

«الحمد لله رب العالمین»